

Rewriting the Role of Islamic Economics from the viewpoint of Shahid Sadr

Mohammad Javad Tavakoli

Member of the faculty of Imam Khomeini Educational and Research Institute.

Email: tavakoli@iki.ac.ir

Use your device to scan
and read the article online



Citation Mohammad Javad Tavakoli. [Rewriting the Role of Islamic Economics from the viewpoint of Shahid Sadr (Persian)]. *EGHTESAD-E ISLAMI (A Quarterly Journal on Islamic Economics)*. 2024; 24 (94): 5-42

 [10.22034/iec.2024.2023289.2720](https://doi.org/10.22034/iec.2024.2023289.2720)

Received: 18 February 2024 , Accepted: 16 August 2024

Abstract

In Islamic economics literature there has been typically considered an explanatory role for Islamic economics conditional to the realization of Islamic doctrine. It is suggested that Islamic doctrine should be actualized before the since of Islamic economics perform its task in explain the relationship between economic variables. There is question about the way we could actualize the Islamic doctrine particularly is variable part without using the findings of the since of Islamic economics. The current paper rewrite the role of since of Islamic economics with using an analytical method. I hypothesize that the since of Islamic economics plays an institutional and behavioral explanatory role and by the way it provides the ground for actualization of the Islamic economic doctrine particularly its variable parts, the part that contain economic s structures, rules, instruments and policies which should be designed for the Islamic society. In this way, theories of the science of Islamic economics play different roles including behavioral explanation, performance explanation, subjective role, justification role and confirming role.

Keywords

Science of Islamic economics, Islamic economics doctrine, Shahid Sadr.







بازخوانی کارکرد علم اقتصاد اسلامی

از منظر شهید صدر

محمد جواد توکلی

عضو هیئت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)

Email: tavakoli@iki.ac.ir



Citation Mohammad Javad Tavakoli. [Rewriting the Role of Islamic Economics from the viewpoint of Shahid Sadr (Persian)]. *EGHTESAD-E ISLAMAMI (A Quarterly Journal on Islamic Economics)*. 2024; 24 (94): 5-42

[10.22034/iec.2024.2023289.2720](https://doi.org/10.22034/iec.2024.2023289.2720)

تاریخ دریافت: ۲۹/۱۱/۱۴۰۲، تاریخ پذیرش: ۲۶/۰۵/۱۴۰۳

چکیده

در ادبیات اقتصاد اسلامی به طور معمول برای علم اقتصاد اسلامی کارکردی تبیینی در نظر گرفته می‌شود؛ کارکردی که مشروط به تحقق مکتب اقتصادی اسلام دانسته شده است. گفته می‌شود مکتب اقتصادی اسلام باید به مرحله اجرا درآید تا پس از آن علم اقتصاد اسلامی اقدام به تبیین روابط بین متغیرها کند. در این زمینه این سؤال مطرح است که چگونه می‌توان مکتب اقتصادی اسلام به‌خصوص بخش متغیر آن را اجرایی کرد، بدون اینکه از یافته‌های علم اقتصاد اسلامی بهره‌مند شویم؟ در این مقاله با استفاده از روش تحلیلی به بازخوانی کارکرد علم اقتصاد اسلامی از منظر شهید صدر می‌پردازیم. بنا به فرضیه مقاله، علم اقتصاد اسلامی با ارائه توصیف، تبیین و پیش‌بینی نهادی و رفتاری، دو کارکرد موجه‌سازی مکتب اقتصادی اسلام و تکمیل بخش متغیر آن را بر عهده دارد؛ بخشی که شامل ساختارها، قوانین، ابزارها و سیاست‌های اقتصادی اسلامی است و باید برای جامعه اسلامی طراحی و تدوین شوند. در این راستا نظریه‌های علم اقتصاد اسلامی به تدوین شاخص‌های اقتصادی اسلامی و نظریه‌های رفتاری و نهادی می‌انجامند. اگر نظام اقتصادی را متمایز از مکتب بدانیم، مکتب اقتصادی اسلام اصول و قواعد ثابت و متغیری برای نظام‌سازی اقتصادی ارائه می‌دهد. در این صورت علم اقتصاد اسلامی به طراحی ساختارها، نهادها و سیاست‌های اقتصادی بر اساس اصول مکتب اقتصادی اسلام کمک می‌کند.

واژگان کلیدی

علم اقتصاد اسلامی، مکتب اقتصادی اسلامی، شهید صدر.



مقدمه

در ادبیات اقتصاد اسلامی تفکیک علم اقتصاد اسلامی از مکتب اقتصاد اسلامی به شهید صدر باز می‌گردد؛ از نگاه ایشان، همان‌گونه که دانش اقتصاد اسلامی عهده‌دار ارائه روشی برای اداره اقتصاد جامعه اسلامی است، می‌باید تحلیل‌های علمی نیز ارائه دهد. اقتصاددانان مسلمان امکان وجود علم اقتصاد اسلامی را پذیرفته‌اند؛ علی‌رغم برداشت اشتباهی که از تعبیر شهید صدر در کتاب **اقتصادنا** صورت گرفته است، دانش اقتصاد اسلامی نه تنها قادر به تولید نظریه‌های علم اقتصاد اسلامی است، بلکه به این نظریه‌ها نیازمند است.

در این مقاله با استفاده از روش تحلیلی به این سؤال می‌پردازیم که کارکرد نظریه‌های علم اقتصاد اسلامی چیست؟ بر اساس برداشت اولیه از ادبیات اقتصاد اسلامی، علم اقتصاد اسلامی تنها هویتی تبیینی دارد که می‌تواند به تبیین کارکردهای مکتب اقتصادی اسلام بپردازد. اگر کارکرد علم اقتصاد اسلامی را تنها در حد تبیین کارکردهای مکتب اقتصادی اسلام بدانیم، این دانش صرفاً دانشی پسینی خواهد بود که تأثیری بر نظریه‌های مکتب اقتصادی اسلام و چگونگی محقق‌ساختن آن نخواهد داشت. بنا به فرضیه مقاله، یافته‌های علم اقتصاد اسلامی یکی از ورودی‌های بخش متغیر مکتب اقتصادی اسلام است و نقشی اساسی در شکل‌گیری آن دارد. اگر نظام اقتصادی را متمایز از مکتب بدانیم، علم اقتصاد اسلامی ابزاری برای عملیاتی کردن اصول مکتب اقتصادی اسلام در چارچوب نظام اقتصادی اسلام خواهد بود.

پس از بررسی پیشینه تحقیق به تبیین مفهوم علم اقتصاد اسلامی می‌پردازیم. در ادامه نکاتی در مورد مؤلفه‌های محوری مؤثر بر تعیین هویت علم اقتصاد اسلامی و رابطه آن با مکتب اقتصاد اسلامی و نظام اقتصادی اسلام در چارچوب اندیشه شهید صدر بیان می‌شود. این بحث زمینه تبیین کارکرد علم اقتصاد اسلامی در تعامل با مکتب اقتصادی اسلام را فراهم

می‌کند. ارائه‌نگاهی جدید به رابطه علم و مکتب اقتصادی اسلام زمینه‌ساز بازخوانی کارکرد علم اقتصاد اسلامی در انتهای مقاله خواهد بود.

پیشینه تحقیق

در زمینه کارکرد علم اقتصاد اسلامی آثار پژوهشی چندانی به چشم نمی‌خورد. در این زمینه مباحثی در مورد امکان یا عدم امکان علم اقتصاد اسلامی مطرح شده است. در ادامه به برخی از مهم‌ترین آثار در این زمینه اشاره می‌کنیم:

- حائری و یوسفی (۱۳۸۰) استدلال می‌کنند که شهید صدر معتقد است اسلام دارای مکتب، سیستم و علم اقتصاد اسلامی است (حائری و یوسفی، ۱۳۸۰).
- میرمعزی (۱۳۸۵) در مقاله‌ای با عنوان «نقد و بررسی دیدگاه شهید صدر (ره) درباره هویت اقتصاد اسلامی» دیدگاه شهید صدر در مورد نداشتن علم اقتصاد اسلامی را مورد انتقاد قرار می‌دهد. وی در ادامه بر وجود گزاره‌های علمی در اقتصاد اسلامی استدلال می‌کند (میرمعزی، ۱۳۸۵). وی همچنین به نقد مکتب اقتصادی از دیدگاه شهید صدر پرداخته است.
- نظری (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان «روش‌شناسی شهید صدر درباره شکل‌گیری علم اقتصاد اسلامی تحقیق‌نهایی درباره آن» دو روش قیاسی و استقرایی شهید صدر برای شکل‌گیری علم اقتصاد اسلامی را تبیین می‌کند. از نظر ایشان، دلیل ترجیح روش دوم نزد ایشان آن است که وی وظیفه و هدف علم اقتصاد را تبیین رویدادهای واقعی اقتصاد جامعه بدون ارزش‌داوری می‌داند (نظری، ۱۳۸۸).
- توکلی (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «بازخوانی رویکرد شهید صدر در مورد هویت علمی اقتصاد اسلامی» استدلال می‌کند که هرچند

شهید صدر در کتاب **اقتصادنا**، علم اقتصاد اسلامی به مفهوم دیالکتیکی، اثباتی محض و پیشینی را نفی می‌کند، امکان تدوین آن به دو روش پسینی استقرایی و قیاسی را ممکن می‌داند. بر اساس یافته‌های این مقاله تحقق علم اقتصاد اسلامی در نظر شهید صدر مشروط به تحقق (عینی/ فرضی) مذهب اقتصادی اسلام به عنوان ساختار نهادی مورد نظر اسلام است. در این چارچوب علم اقتصاد اسلامی می‌تواند دو کارکرد داشته باشد: اول، اثبات کارآمدی مذهب اقتصادی اسلام (ساختارهای نهادی توصیه‌شده و ایجادشده)؛ دوم، کمک به تکمیل گزاره‌های تجویزی مذهب اقتصادی اسلام (توکلی، ۱۳۹۶، ص ۲۱۱).

در این مقاله ضمن بهره‌مندی از آثار پیشین، به بازخوانی کارکرد علم اقتصاد اسلامی از منظر شهید صدر می‌پردازیم. نوآوری خاص این مقاله توجه به تأثیر نظریات علم اقتصاد اسلامی در شکل‌گیری بخش متغیر مکتب یا نظام اقتصادی اسلام است؛ کارکردی که از آن غفلت شده است.

مفهوم علم اقتصاد اسلامی

بسیاری از اقتصاددانان مسلمان به پیروی از شهید صدر علم اقتصاد را در مقابل مکتب اقتصادی تعریف می‌کنند. از نظر شهید صدر علم اقتصاد «به تبیین زندگی اقتصادی، پدیده‌ها و رویدادهای آن و تبیین رابطه این پدیده‌ها و رویدادها با اسباب و عوامل ایجادکننده آنها» می‌پردازد (صدر، ۱۴۰۰ ق، ص ۳۷۷). وی برای علم اقتصاد هویتی اثباتی و عاری از ارزش داوری قایل است. در بیان ایشان علم اقتصاد مشتمل بر نظریه‌هایی است که «به دنبال تبیین واقعیت زندگی اقتصادی است، بدون اینکه جهت‌گیری فکری پیشینی یا توجهی به ارزش عدالت داشته باشد» (همان).

درمقابل مکتب اقتصادی روشی است که «جامعه آن را برای زندگی اقتصادی و حل مشکلات عملی‌اش برمی‌گزیند» (همان). «مکتب اقتصادی مشتمل بر قواعد اساسی در زندگی اقتصادی است که به اندیشه عدالت اقتصادی مرتبط‌اند» (همو، ۱۴۲۱ق، ص ۱۲۴. همو، ۱۴۰۰ق، ص ۳۸۱). هدف مکتب اقتصادی یافتن راه‌حل برای مشکلات زندگی اقتصادی در راستای تحقق عدالت است (همو، ۱۴۰۰ق، ص ۳۸۲).

در بیان شهید صدر، آن‌گونه که در جدول ۱ منعکس شده است، مکتب اقتصادی اسلام دارای چند مؤلفه محوری است: الف) روشی برای ساماندهی زندگی اقتصادی و حل مشکلات اقتصادی است؛ ب) شیوه‌ای برای تغییر واقعیت فاسد اقتصادی است؛ ج) اقدامی عملیاتی و اجرایی است؛ د) رویکردی ارزشی دارد و روش مزبور را بر اساس ارزش عدالت ارائه می‌دهد؛ هـ) این روش مورد پذیرش اسلام است؛ و) روش مزبور توسط جامعه اسلامی پذیرفته شده است.

جدول ۱: مؤلفه‌های مکتب اقتصاد از نگاه شهید صدر

مؤلفه مکتب اقتصادی	بیان شهید صدر
روش حل مشکلات اقتصادی	«المذهب الاقتصادي للمجتمع فهو: عبارة عن الطريقة التي يفضّل المجتمع اتباعها في حياته الاقتصادية وحل مشاكلها العملية» (صدر، ۱۴۰۰ق، ص ۲۹).
روش مورد پذیرش اسلام	«أن الاقتصاد الإسلامي مذهب وليس علماً؛ لأنه الطريقة التي يفضّل الإسلام اتباعها في الحياة الاقتصادية، وليس تفسيراً يشرح فيه الإسلام أحداث الحياة الاقتصادية وقوانينها» (صدر، ۱۴۰۰ق، ص ۳۷۸).
روش اسلامی ساماندهی زندگی اقتصادی	«وإنما نعني بالاقتصاد الإسلامي: المذهب الاقتصادي للإسلام، الذي تتجسد فيه الطريقة الإسلامية في تنظيم الحياة الاقتصادية» (صدر، ۱۴۰۰ق، ص ۳۱).
روش خاص تنظیم امور اجتماعی؛ برنامه برگزیده برای ایجاد رفاه اقتصادی	«إنّ المذهب الاقتصادي عبارة عن نهج خاصّ للحياة يطالب أنصاره بتطبيقه لتنظيم الوجود الاجتماعي على أساسه، بوصفه المخطط الأفضل الذي يحقق للإنسانية ما تصبو إليه من رخاء وسعادة على الصعيد الاقتصادي» (صدر، ۱۴۰۰ق، ص ۲۲۵).

<p>«فالمذهب: تصميم عمل ودعوة. والعلم: كشف أو محاولة كشف عن حقيقة وقانون؛ لهذا السبب كان المذهب عنصراً فعّالاً وعملاً من عوامل الخلق والتجديد، وأما العلم فهو يسجل ما يقع في مجرى الحوادث الاقتصادية كما هو دون تصرّف أو تلاعب» (صدر، ۱۴۰۰ ق، ص ۲۲۵).</p>	<p>اقدام عملیاتی و اجرایی</p>
<p>«فالمذهب الاقتصادي يشمل كلّ قاعدة أساسية في الحياة الاقتصادية تتصل بفكرة (العدالة الاجتماعية)» (صدر، ۱۴۰۰ ق، ص ۳۸۱).</p>	<p>قواعد اساسی زندگی اقتصادی مرتبط با اندیشه عدالت اجتماعی</p>
<p>«أنّ وظيفة المذهب الاقتصادي هي وضع حلول لمشاكل الحياة الاقتصادية ترتبط بفكرته ومثله في العدالة» (صدر، ۱۴۰۰ ق، ص ۳۸۳)</p>	<p>ارائه راه حل مشکلات اقتصادی بر اساس ارزش عدالت</p>
<p>«يمتاز المذهب الاقتصادي في الإسلام عن بقية المذاهب الاقتصادية التي درستها بإطاره الديني العام. فإنّ الدين هو الإطار الشامل لكل أنظمة الحياة في الإسلام. فكلّ شعبة من شُعب الحياة حين يعالجها الإسلام يمزج بينها وبين الدين، ويصوغها في إطار من الصلة الدينية للإنسان بخالفه وأخرته. وهذا الإطار هو الذي يجعل النظام الإسلامي قادراً على النجاح، وضمان تحقيق المصالح الاجتماعية العامة للإنسان؛ لأنّ هذه المصالح الاجتماعية لا يمكن أن يضمن تحقيقها إلا عن طريق الدين» (صدر، ۱۴۰۰ ق، ص ۳۱۷).</p>	<p>چارچوب اسلامی نظام زندگی</p>
<p>«وفي هذا الضوء نعرف أنّ الاقتصاد الإسلامي بوصفه جزءاً من تنظيم اجتماعي شامل للحياة يجب أن يندرج ضمن الإطار العامّ لذلك التنظيم وهو الدين، فالدين هو الإطار العامّ لاقتصادنا المذهبي» (صدر، ۱۴۰۰ ق، ص ۳۳۰)</p>	<p>چارچوب تنظیم اقتصاد</p>
<p>«وأما المذهب الإسلامي فهو لا يزعم لنفسه الطابع العلمي كالمذهب الماركسي، كما أنّه ليس مجرداً عن أساس عقائدي معيّن ونظرة رئيسية إلى الحياة والكون، كالرأسمالية. فالاقتصاد الإسلامي من هذه الناحية يشبه الاقتصاد الرأسمالي المذهبي في كونه عملية تغيير الواقع، لا عملية تفسير له. فالوظيفة المذهبية تجاه الاقتصاد الإسلامي هي: الكشف عن الصورة الكاملة للحياة الاقتصادية وفقاً للتشريع الإسلامي، ودرس الأفكار والمفاهيم العامة التي تشع من وراء تلك الصورة، كفكرة انفصال شكل التوزيع عن نوعية الإنتاج، وما إليها من أفكار» (صدر، ۱۴۰۰ ق، ص ۳۳۱).</p>	<p>شیوه ای برای تغییر واقعیت اقتصادی بر اساس دین اسلام</p>
<p>«نقصد بالمذهب الاقتصادي: إيجاد طريقة لتنظيم الحياة الاقتصادية وفقاً للعدالة. فنحن حين نتساءل عن المذهب الاقتصادي في الإسلام نريد أن نعرف هل جاء الإسلام بطريقة لتنظيم الحياة الاقتصادية، كما جاءت الرأسمالية - مثلاً - بمبدأ الحرّية الاقتصادية، واتخذت منه طريقته العامة في تنظيم الحياة الاقتصادية؟» (صدر، ۱۴۲۱ ق، ص ۱۱۴)</p>	<p>روش تنظیم زندگی اقتصادی بر اساس عدالت</p>

در بیان شهید صدر علم اقتصاد دانش «تبیین پدیده‌های اقتصادی» است؛ درمقابل مکتب اقتصادی دانش بیان «روش ساماندهی اقتصاد جامعه بر اساس اقتضائات رویکرد ارزشی مورد قبول در زمینه عدالت» است. مکتب اقتصاد سرمایه‌داری روش مطلوب ساماندهی اقتصاد جامعه را بر اساس اصل آزادی اقتصادی ارائه می‌دهد (صدر، ۱۴۲۱ق، ص ۱۱۴)؛ ولی علم اقتصاد سرمایه‌داری اقدام به ارائه روش مطلوب مدیریت اقتصاد جامعه نمی‌کند؛ بلکه به تبیین رفتارها و سیاست‌های اقتصادی در چارچوب شیوه پیشنهادی مکتب اقتصادی سرمایه‌داری یعنی شیوه مدیریت بر اساس اصل آزادی اقتصادی می‌کند. هنگامی که مشخص شد پیشنهاد مکتب اقتصادی سرمایه‌داری، ساماندهی اقتصاد جامعه بر اساس اصل آزادی اقتصادی است، علم اقتصاد سرمایه‌داری به دنبال بیان روش دیگری برای ساماندهی امور اقتصادی نیست؛ بلکه عهده‌دار بررسی وضعیت بازار در چارچوب روش سرمایه‌داری برای ساماندهی امور اقتصادی است؛ برای نمونه علم اقتصاد به چگونگی تعیین قیمت و تغییرات آن در بازار آزادی که بر اساس روش سرمایه‌داری شکل گرفته است، می‌پردازد.

در این چارچوب، گزاره‌های علم اقتصاد، هویتی اثباتی دارند و تنها به دنبال تبیین واقعیت‌اند، نه اینکه ارزش‌داوری کنند. به نظر شهید صدر مباحثی همچون قانون عرضه و تقاضا یا قانون دستمزدهای آهنین، قوانین علمی‌اند که به دنبال ارزش‌گذاری پدیده‌های اقتصادی نیستند و به علم اقتصاد تعلق دارند. درمقابل مباحث مربوط به آزادی اقتصادی، لغو بهره و ملی‌کردن ابزار تولید به مکتب اقتصاد تعلق دارد؛ زیرا این مباحث با اندیشه عدالت مرتبط‌اند (همو، ۱۴۰۰ق، ص ۳۸۲).

جدول ۲: مکتب و علم اقتصاد اسلامی از نگاه شهید صدر

ابعاد اقتصاد اسلامی	هدف	روش شناسی	نمونه از نظریه‌ها
مکتب اقتصاد اسلامی	ارائه روش ساماندهی زندگی اقتصادی بر اساس اقتضائات عدالت	روش تحلیلی	نظریه عدالت توزیعی اسلامی: عدالت یعنی تحقق سطح عمومی معیشت برای همه و آزادی برابر برای بهره‌مندی بیشتر از این سطح (در مقابل نظریه عدالت به مفهوم برابری در سطح معیشت و نظریه عدالت به مفهوم برابری در آزادی)
علم اقتصاد اسلامی	کشف واقعیت	روش تجربی	قانون عرضه و تقاضا، قانون بازده نزولی (صدر، ۱۴۲۱ق، ص ۱۱۵).

از نظر شهید صدر، مکتب اقتصادی اسلام برای ساماندهی عادلانه زندگی اقتصادی دارای دو بخش ثابت و متغیر است. بخش ثابت برخاسته از احکام تشریحی ثابت و بخش متغیر برگرفته از احکام تشریحی متغیر است؛ بخشی که می‌تواند شکل احکام سیاستی نیز به خود بگیرد (همو، ۱۴۰۰ق، ص ۴۰۰-۴۰۱).

جدول ۳: دو بخش ثابت و متغیر مکتب اقتصادی اسلام

مکتب اقتصادی اسلام	بیان شهید صدر
بخش ثابت مکتب اقتصادی	«فإن المذهب الاقتصادي في الإسلام يشتمل على جانبين: أحدهما: قَدُمُ على من قَبِل الإسلام بصورة منجزة لا تقبل التغيير والتبديل» (صدر، ۱۴۰۰ق، ص ۴۰۰).
بخش متغیر مکتب اقتصادی	«والآخر: يشكّل منطقة الفراغ في المذهب قد ترك الإسلام مهمّة ملئها إلى الدولة أو وليّ الأمر يملؤها وفقاً لمتطلبات الأهداف العامّة للاقتصاد الإسلامي ومقتضياتها في كلّ زمان» (صدر، ۱۴۰۰ق، ص ۴۰۰)؛ «أنّ المذهب الاقتصادي في الإسلام يرتبط على هذا الأساس ارتباطاً كاملاً بنظام الحكم في مجال التطبيق» (صدر، ۱۴۰۰ق، ص ۴۰۱).
احکام تشریحی غیردائمی در بخش متغیر مکتب اقتصادی	«أنّ نوعيّة التشريعات التي ملأ النبي صلى الله عليه وآله بها منطقة الفراغ من المذهب بوصفه وليّ الأمر ليست أحكاماً دائميّة بطبيعتها؛ لأنّها لم تصدر من النبي بوصفه مبلّغاً للأحكام العامّة الثابتة، بل باعتباره حاكماً وولياً للمسلمين. فهي إذن لا تعتبر جزءاً ثابتاً من المذهب الاقتصادي في الإسلام، ولكنّها تلقى ضوءاً إلى حدّ كبير على عمليّة ملء الفراغ التي يجب أن تمارس في كلّ حين وفقاً للظروف، وتيسّر فهم الأهداف الأساسيّة التي توخاها النبي صلى الله عليه وآله في سياسته الاقتصاديّة، الأمر الذي يساعد على ملء منطقة الفراغ دائماً في ضوء تلك الأهداف» (صدر، ۱۴۰۰ق، ص ۴۰۱)؛ «وأما لماذا تركت في المذهب الاقتصادي الإسلامي منطقة فراغ لم تُملأ من قِبَل الشريعة ابتداءً بأحكام ثابتة؟» (صدر، ۱۴۰۰ق، ص ۴۰۲)

هویت علم اقتصاد اسلامی از نگاه شهید صدر

با توجه به تعریف ارائه‌شده، اثباتی بودن، عاری بودن از ارزش داوری و وابستگی به مکتب اقتصادی سه مؤلفه محوری علم اقتصاد اسلامی از منظر شهید صدر را تشکیل می‌دهند. دو مؤلفه محوری مکتب اقتصادی نیز دستوری بودن (توصیه روش ساماندهی امور اقتصادی) و ارزش داوری (بر اساس عدالت) است.

الف) رویکرد اثباتی علم اقتصاد اسلامی

تعریف شهید صدر از علم اقتصاد بر مفهوم اقتصاد اثباتی (Positive economics) قابل تطبیق است؛ زیرا ایشان علم اقتصاد را صرفاً حاکی از واقعیت‌ها و بدون ارزش داوری می‌داند. از نظر ایشان علم «شامل هر نظریه‌ای است که واقعیت زندگی اقتصادی را بدون در نظر گرفتن دیدگاهی پیشین یا ارزش والای عدالت تبیین می‌کند» (صدر، ۱۴۰۰ق). در مقابل مکتب اقتصادی اسلام ضمن ارزش داوری بر مبنای هنجار عدالت، روش ساماندهی امور اقتصادی جامعه بر اساس برداشت موجود از عدالت را ارائه می‌دهد؛ علم اقتصاد نیز به بررسی نتایج اعمال این روش در جامعه‌ای که چنین روشی در آن اجرایی شده است، می‌پردازد (همان، ص ۱۱۵).

ب) عاری بودن از ارزش داوری

شهید صدر نظریه‌های علم اقتصاد اسلامی را فاقد جهت‌گیری ارزشی می‌داند. در مقابل ایشان برای نظریه‌های مکتب اقتصادی اسلام هویتی ارزیابانه و توصیه‌گرانه بر مبنای ارزش عدالت قایل است. از این جهت مکتب اقتصادی همانند اقتصاد هنجاری است. ایشان برای مکتب اقتصاد اسلامی کارکردی سیاستی هم در نظر می‌گیرند؛ زیرا آن را عهده‌دار ارائه راه‌حل مشکلات اقتصادی می‌داند که از این جهت به اقتصاد کاربردی یا سیاستی جان‌نویل‌کینز نزدیک می‌شود.

شهید صدر با ذکر سه مثال، فقدان جهت‌گیری ارزشی در علم اقتصاد اسلامی و در مقابل وجود جهت‌گیری ارزشی در مکتب اقتصادی اسلام را تبیین می‌کند. مثال اول درباره تغییرات قیمت کالاها، مثال دوم درباره دستمزد نیروی کار و مثال سوم درباره تولید است:

(۱) **تغییرات قیمت و رابطه آن با تقاضا:** مشاهدات ما حاکی از این است که هر گاه تقاضا زیاد شود، رغبت عموم مردم برای خریداری یک کالا زیاد می‌شود و به تبع قیمت آن کالا افزایش می‌یابد. رابطه قیمت و تقاضا، هم در علم اقتصاد و هم در مکتب اقتصاد بررسی می‌شود، اما از دو زاویه متفاوت. علم اقتصاد رابطه قیمت و تقاضا را به عنوان پدیده‌ای در بازار آزاد - که در آن قیمت‌ها از سوی دولت تعیین نمی‌شود - بررسی می‌کند. چگونگی وقوع این رخداد بر اثر آزادی بازار را شرح می‌دهد و میزان ارتباط قیمت و تقاضا را کشف می‌کند. علم اقتصاد رابطه افزایش قیمت و افزایش تقاضا را بررسی می‌کند و به این پرسش پاسخ می‌دهد که آیا اگر تقاضا مثلاً دو برابر شد، قیمت نیز دو برابر می‌شود یا به میزانی کمتر افزایش می‌یابد. در اینجا علم اقتصاد به دنبال کشف واقعیت‌های اقتصادی نهفته در ورای یک پدیده اقتصادی (ارتباط قیمت و تقاضا) و تشریح چیزی است که در بازار آزاد می‌گذرد. علم چیزی به واقعیت اضافه نمی‌کند، بلکه آن را کشف و تشریح می‌کند؛ اما مکتب اقتصادی، بازار آزاد را برای کشف آثار این آزادی اقتصادی و رابطه قیمت و میزان تقاضا در بازار آزاد بررسی نمی‌کند. مکتب اقتصادی این پرسش را مطرح نمی‌کند که چرا قیمت کالا در بازار آزاد هنگام افزایش تقاضا افزایش می‌یابد. مکتب اقتصادی به دنبال کشف نتایج و علل و ارائه قوانین کلی نیست؛ بلکه به بررسی آزادی بازار می‌پردازد. هدف مکتب اقتصادی این است که آزادی اقتصادی و نتایج آن را ارزیابی کند؛ یعنی آزادی اقتصادی و نتایجش را از زاویه نگاه مکتب اقتصادی به عدالت بررسی کند. هر

مکتب اقتصادی دیدگاهی کلی درباره عدالت دارد و برای ارزش داوری روش‌های مختلف ساماندهی زندگی اقتصادی، به بررسی میزان توانایی این روش‌ها در دستیابی به عدالت - بر اساس تفسیری که از آن ارائه کرده است - می‌پردازد. آزادی اقتصادی در مکتب اقتصادی نه به عنوان یک پدیده موجود در واقع که آثار و قوانینی عمومی دارد، بلکه به عنوان یک روش اقتصادی ملاحظه می‌شود و میزان موفقیتش در دستیابی به عدالت بررسی و ارزیابی می‌گردد؛ از این رو این پرسش را که نتایج بازار آزاد چیست و رابطه قیمت و تقاضا در بازار آزاد چگونه است، علم اقتصاد پاسخ می‌دهد. در مقابل این پرسش را که بازار چگونه باید باشد (توصیه سیاستی) و آیا آزادی بازار باعث توزیع عادلانه کالاها و تأمین نیازهای مردم به شکلی عادلانه می‌شود، مکتب اقتصادی پاسخ می‌دهد (تحلیل ارزشی) (همو، ۱۴۲۱ق، ص ۱۲۴-۱۲۶).

۲) **دستمزدهای آهنین:** ریکاردو با بررسی روابط کار، از قانون دستمزدهای آهنین سخن می‌گوید. بر اساس این قانون، دستمزدها در بازار کار به حداقل معیشتی میل می‌کنند. ریکاردو با ارائه این قانون، در واقع از آنچه در شرایط بازار آزاد رخ می‌دهد، سخن می‌گوید. در این حالت، او در حوزه علم اقتصاد وارد شده است. در مقابل وقتی مکتب اقتصادی به بررسی دستمزد کارگران می‌پردازد، نه به دنبال کشف آنچه در بازار آزاد رخ می‌دهد، بلکه به دنبال یافتن روشی عادلانه برای تنظیم دستمزدهاست. مکتب اقتصادی از این سخن می‌گوید که چگونه باید دستمزدها را تعیین کرد؟ آیا عمل بر اساس اصل آزادی اقتصادی می‌تواند روشی برای تنظیم عادلانه دستمزدها باشد؟ بازار را با توجه به اقتضائات عدالت چگونه باید سامان داد؟ آیا بازار را باید بر اساس اصل آزادی اقتصادی سامان دهیم یا به گونه‌ای دیگر؟ علم اقتصاد، بازار سامان یافته بر اساس اصل آزادی اقتصادی را برای نمونه بررسی می‌کند: «ان العلم یکشف والمذهب یقوم

و یقدر». بنابراین علم کشف می کند، ولی مکتب اقتصادی، ارزش داوری (همو، ۱۴۲۱ ق، ص ۱۲۷-۱۲۸).

۳) تولید: علم اقتصاد و مکتب اقتصاد از زوایای مختلفی به بررسی تولید می پردازند. علم اقتصاد بررسی می کند که چگونه عواملی همچون تقسیم کار موجب افزایش تولید می شوند و در این بررسی، قوانینی مانند قانون بازده نزولی در محصولات کشاورزی را کشف می کند؛ اما مکتب اقتصادی به دنبال پاسخ پرسش هایی از این قبیل است: آیا تولید باید آزاد باشد یا بر اساس برنامه ریزی مرکزی توسط دولت مدیریت شود؟ آیا افزایش تولید را باید به عنوان هدفی اصیل در نظر گرفت یا به عنوان ابزاری برای هدفی والاتر؟ آیا سیاست های تولیدی باید به عنوان ابزاری در خدمت توزیع درآمد باشند یا بر عکس؟ به بیان دیگر آیا ثروت را باید به گونه ای توزیع کرد که موجب افزایش تولید و تحقق توسعه اقتصادی شود، یا تولید را باید با توجه به اقتضائات توزیع سامان داد و مثلاً حق سرمایه برای دریافت بهره را به رسمیت شناخت؟ در واقع مکتب اقتصادی به چگونگی سامان دادن به تولید و سیاست گذاری برای آن می پردازد (همان، ص ۱۲۸-۱۳۰).

شهید صدر پس از بررسی این سه مثال این گونه نتیجه می گیرد که علم اقتصاد به دنبال کشف حقایق اقتصادی و فهمیدن اسرار زندگی اقتصادی است؛ ولی مکتب اقتصادی به دنبال ایجاد روشی از مدیریت زندگی اقتصادی است که اقتضائات عدالت را محقق کند. بر این اساس نظریه علم اقتصاد به دنبال کشف واقعیت اقتصادی - چنان که جریان دارد - است و می خواهد عوامل مؤثر بر این واقعیت اقتصادی، نتایجش و روابط میان متغیرهایش را کشف کند؛ اما مکتب اقتصادی از منظر عدالت به واقعیت اقتصادی نگاه می کند و به دنبال این است که بگوید واقعیت اقتصادی چگونه باید باشد (همان، ص ۱۳۰-۱۳۱).

با توجه به سه مثال بالا، علم اقتصاد در تعریف شهید صدر با اقتصاد اثباتی تطبیق کامل دارد؛ اما مکتب اقتصادی فراتر از اقتصاد هنجاری است. از نگاه ایشان، مکتب اقتصادی، هم هویتی هنجاری و هم هویتی تجویزی دارد؛ از یک سو به بررسی اقتضائات عدالت اقتصادی می‌پردازد که ماهیتی ارزش‌داورانه دارد و از سوی دیگر، راه و روش ساماندهی زندگی اقتصادی را مشخص می‌کند که هویتی تدبیری یا تجویزی دارد. افزون بر این مکتب اقتصادی در تحلیل شهید صدر هویتی ساختاری نیز دارد و ناظر به ساختارهای نهادی مطلوب در اقتصاد اسلامی است؛ چراکه ایشان مکتب اقتصادی را شیوه‌ای می‌داند که جامعه ساماندهی اقتصاد و حل مشکلات اقتصادی بر اساس آن را پذیرفته است. با توجه به اینکه مکتب اقتصادی در بیان شهید صدر عمدتاً در قالب قوانین تشریحی تبیین شده است، این بدان معناست که این قوانین تشریحی (قواعد رسمی رفتار) باید در جامعه پذیرفته شود (همو، ۱۴۰۰ ق، ص ۲۹).

ج) وابستگی به مکتب اقتصادی

بخش مهمی از هویت علم اقتصاد اسلامی را باید در رابطه آن با مکتب اقتصادی اسلام جست‌وجو کرد. شهید صدر شکل‌گیری علم اقتصاد اسلامی را مشروط به تحقق مکتب اقتصادی اسلام در جامعه می‌داند. به نظر ایشان علم اقتصاد اسلامی به تبیین رفتارهای اقتصادی در جامعه‌ای که اصول مکتب اقتصادی اسلام به شکل کامل بر آن تطبیق شده باشد، می‌پردازد: «وظیفه علم اقتصاد اسلامی کشف جریان عینی زندگی واقعی و قوانین آن در جامعه اسلامی است که مکتب اسلام به شکل کامل بر آن تطبیق داده شده باشد» (همان، ص ۳۳۱-۳۳۲).

از نظر شهید صدر نمی‌توان جامعه‌ای را تصور کرد که مکتب اقتصادی نداشته باشد؛ زیرا هر جامعه‌ای تولید و توزیع ثروت را به روشی که بر آن اتفاق شده، انجام می‌دهد. این روش رویکرد مکتبی این جامعه نسبت به

زندگی اقتصادی را منعکس می‌کند. از نگاه ایشان انتخاب یک روش معین برای ساماندهی زندگی اقتصادی، اعتباری محض نیست؛ بلکه انتخاب این روش بر اساس اندیشه‌ها و مفاهیم مشخصی صورت می‌گیرد که دارای خصلتی اخلاقی، علمی و ... می‌باشد. ایشان همین افکار و مفاهیم را مبنا و سازنده بعد فکری مکتب اقتصادی می‌داند. به همین دلیل هنگامی که به بررسی مکتب اقتصادی می‌پردازیم، از یک طرف باید روش ساماندهی زندگی اقتصادی آن و از طرف دیگر افکار و مفاهیم مرتبط با مکتب اقتصادی را بررسی کنیم؛ برای نمونه هنگامی که مکتب سرمایه‌داری را که قایل به آزادی اقتصادی است، بررسی می‌کنیم، باید اندیشه‌ها و مفاهیم اساسی را هم که بر اساس آن آزادی اقتصادی پذیرفته شده است، بررسی کنیم.

به نظر شهید صدر اقتصاددانان از همان ابتدای شکل‌گیری علم اقتصاد سیاسی، روش مطلوب ساماندهی زندگی اقتصادی (مکتب) را مبتنی بر نظریه‌های علمی اقتصادی (علم) ارائه داده‌اند؛ یعنی نظریه‌های علمی اقتصاد باعث شکل‌گیری نظریه‌های مکتبی شده است؛ برای نمونه سوداگران (مرکانتلیست‌ها) گمان می‌کردند از نظر علمی میزان ثروت جامعه برابر با میزان پول (طلا) در آن است. آنها از این اندیشه برای ارائه مکتب اقتصادی خود بهره بردند و ادعا کردند تجارت خارجی را باید به عنوان تنها روش جذب پول (ثروت) از خارج گسترش داد. آنها سیاست اقتصادی (روبنا) خود را بر این اساس پایه گذاشتند که ارزش کالاهای صادراتی بیش از ارزش کالاهای وارداتی شده و بدین طریق پول بیشتری به میزان مازاد صادرات وارد کشور شود. مکتب اقتصادی طبیعت‌گرایان (فیزیوکرات‌ها) هم متکی بر این اندیشه علمی است که «کشاورزی، نه صنعت و خدمات، تنها فعالیت اقتصادی است که باعث افزایش ثروت و ایجاد ارزش افزوده می‌شود». آنها بر اساس این ادعای علمی‌شان سیاست مکتبی جدیدی را طرح کردند که شکوفایی کشاورزی را هدف‌گذاری می‌کرد. نظریه جمعیتی

مالتوس نیز مبتنی بر این بحث علمی آماری بود که نرخ رشد جمعیت به صورت نسبی بالاتر از نرخ رشد محصولات زراعی است. به همین دلیل او راهبردهای سیاسی، اقتصادی و اخلاقی برای کنترل جمعیت ارائه می‌کند (همان، ص ۳۰-۳۳).

این دیدگاه علمی سوسیالیست‌ها (الاشتراکیون) که قیمت کالاها وابسته به میزان کار به کاررفته در تولید آن است، آنها را واداشته که سود سرمایه‌داری را نپذیرند. آنها مکتب سوسیالیسم را بر نوعی نظام توزیع بنا گذاشته‌اند که محصول تنها حق عامل کار باشد؛ چراکه او تنها عاملی است که باعث ایجاد ارزش در محصول تولیدی می‌شود. مارکس نیز با ادعای کشف قوانین طبیعی حاکم بر تاریخ، مذهب را محصول حتمی این قوانین می‌داند. به همین دلیل مارکس مکتب سوسیالیستی و کمونیستی را نتیجه قوانین محتوم تاریخ می‌داند (همان، ص ۳۹-۴۰).

کارکرد علم اقتصاد اسلامی

شهید صدر برای علم اقتصاد اسلامی کارکردی تبیینی در نظر می‌گیرد. بر این اساس علم اقتصاد اسلامی به تبیین روابط متغیرهای اقتصادی در جامعه اسلامی می‌پردازد؛ جامعه‌ای که بر اساس اصول مکتب اقتصادی اسلام اداره می‌شود؛ برای نمونه اگر نظام مالی بدون ربا بر اساس اقتضائات مکتب اقتصادی اسلام در جامعه اسلامی اجرایی شد، نظریه‌پرداز علم اقتصاد اسلامی بررسی می‌کند که بین حذف ربا و رشد اقتصادی چه رابطه‌ای برقرار است یا عملکرد نظام بانکی در تجهیز و تخصیص منابع چگونه است. در این صورت علم اقتصاد اسلامی تنها کارکردی تبیینی دارد و به تشریح نتایج اعمال مکتب اقتصادی اسلام و روابط متغیرهای اقتصادی در این چارچوب می‌پردازد.

در بیان شهید صدر این کارکرد تبیینی علم اقتصاد اسلامی این گونه بیان

شده که وظیفه علمی اقتصاد اسلامی کشف مسیر زندگی واقعی و قوانین آن در جامعه اسلامی است که مکتب اقتصادی اسلام بر آن کاملاً تطبیق داده شده است. در این چارچوب، کارشناس اقتصاد اسلامی، گزاره‌های مکتب اقتصادی اسلام را به عنوان قواعد ثابتی برای جامعه در نظر می‌گیرد و سپس به دنبال تبیین جامعه و ایجاد ارتباط میان پدیده‌های اقتصادی است (همان، ص ۳۳۱-۳۳۲).

در این چارچوب، علم اقتصاد به دنبال کشف حقایق اقتصادی و فهمیدن اسرار زندگی اقتصادی است؛ ولی مکتب اقتصادی به دنبال ایجاد روشی از ساماندهی زندگی اقتصادی است که اقتضائات عدالت را محقق کند. نظریه علم اقتصاد به دنبال کشف واقعیت اقتصادی، چنان‌که جریان دارد است و می‌خواهد عوامل مؤثر بر این واقعیت اقتصادی، نتایجش و روابط میان متغیرهایش را کشف کند (همو، ۱۴۲۱ق، ص ۱۳۰-۱۳۱).

جدول ۴: کارکرد علم و مکتب اقتصادی

کارکرد	حوزه دانشی
کشف قانون‌مندی‌های اقتصادی، تبیین روابط بین متغیرهای اقتصادی	علم اقتصاد
ارائه روش عادلانه ساماندهی زندگی اقتصادی و حل مشکلات اقتصادی	مکتب اقتصاد

در مقام مقایسه، شهید صدر برای مکتب اقتصادی اسلام کارکردی هنجاری (ارزیابانه) و تجویزی (توصیه‌گرانه) در نظر می‌گیرد. مکتب اقتصادی از منظر عدالت به واقعیت اقتصادی می‌نگرد و به دنبال این است که بگوید واقعیت اقتصادی چگونه باید باشد (همان، ص ۱۳۰-۱۳۱). تحلیل واقعیت از منظر عدالت، منجر به قضاوت ارزشی و ایفای کارکرد هنجاری (ارزش‌دواری) می‌شود. کارکرد ارزیابانه مکتب اقتصاد اسلامی، تعیین ارزش‌های مورد قبول در اقتصاد اسلامی و ارزش‌دواری بر اساس آن است؛ کارکرد توصیه‌گرانه نیز ارائه توصیه‌ها و تجویزهای اقتصادی است. این توصیه‌ها در دو دسته توصیه‌های ساختاری و سیاستی جای می‌گیرند.

توصیه ساختاری مانند اینکه نظام مالی بر اساس چه قواعد و سازوکاری بنا شود - مانند نظام مالی بدون ربا - توصیه سیاستی نیز مانند اینکه برای بهبود عملکرد نظام مالی چه سیاست پولی - مانند سیاست کاهش نرخ ذخیره قانونی - اجرا شود. بر این اساس کارکرد مکتب اقتصادی اسلام را می‌توان در محورهایی همچون ارزش‌داوری درباره اهداف و ارزش‌های نظام اقتصادی اسلامی، تعیین خطوط کلی نظام اقتصادی اسلامی و تعیین برنامه‌ها و سیاست‌های اقتصادی اسلامی خلاصه کرد.

نگاهی نو به جایگاه علم اقتصاد اسلامی

هرچند شهید صدر برای مکتب اقتصاد اسلامی دو بخش ثابت و متغیر در نظر می‌گیرد، تبیین شفاف‌تری از هر یک و نسبت آن با علم اقتصاد اسلامی ارائه نمی‌دهد. در بیان ایشان این دو بخش به ترتیب مبتنی بر قوانین تشریحی ثابت و متغیر و مشتمل بر اصول، قواعد و سیاست‌های اقتصادی برای ساماندهی زندگی اقتصادی و حل مشکلات اقتصادی است. بر اساس مباحث شهید صدر بخش ثابت مکتب اقتصادی اسلام می‌تواند شامل قوانین و چارچوب‌های سیاستی ثابت برای ساماندهی زندگی اقتصادی و حل مشکلات اقتصادی جامعه - مانند مالکیت مختلط، آزادی در کادر محدود و تأمین اجتماعی - باشد. در مقابل بخش متغیر مکتب اقتصاد اسلامی شامل قوانین و سیاست‌های متغیر برای ساماندهی زندگی اقتصادی و حل مشکلات آن - مانند وضع یک نوع مالیات موقت - است. بخش متغیر می‌تواند ناظر به سیاست‌های اقتصادی برای تحقق عدالت اقتصادی و همچنین اصلاح رفتار عاملان اقتصادی در این راستا باشد. علم اقتصاد اسلامی نیز به تجزیه و تحلیل رفتار عاملان اقتصادی در چارچوب نهادی مطلوب و موجود و همچنین تحلیل اثباتی کارکرد نظام اقتصادی می‌پردازد. به بیان دیگر مکتب اقتصادی اسلامی مسئول قضاوت ارزشی (تعیین

و تعریف ارزش‌های اقتصادی و ارزش‌داوری بر اساس آن) و ارائه توصیه و تجویز (پیشنهاد ساختارهای مطلوب نهادی اقتصاد اسلامی و ارائه توصیه‌های سیاستی) است. در این میان علم اقتصاد اسلامی می‌تواند با ارائه تحلیل‌های رفتاری و کارکردی، به مکتب اقتصادی اسلام در ارائه توصیه‌های ساختاری و سیاستی کمک کند.

الف) نسبت علم اقتصاد اسلامی با بخش ثابت و متغیر مکتب اقتصادی

تفکیک شهید صدر بین دو بخش ثابت و متغیر مکتب اقتصادی اسلام باعث معرفی منطقه‌الفراغ در بخش متغیر مکتب اقتصادی شده است. این تفکیک، زمینه‌ساز تفکیک دو قسمت کشفی و تأسیسی مکتب اقتصاد اسلام است. بخش ثابت مکتب اقتصادی اسلام که با استفاده از روش کشفی از منابع دینی استخراج می‌شود، شامل قوانینی ثابت و غیرقابل تغییر است؛ اما بخش متغیر، بخش خالی (منطقه‌الفراغ قانون‌گذاری اقتصادی)^۱ در مکتب اقتصادی اسلام است و دولت یا ولی امر عهده‌دار پرکردن آن بر اساس اقتضائات اهداف عمومی اقتصاد اسلامی و شرایط زمانی است (همو، ۱۴۰۰ ق، ص ۴۰۰).

پرکردن ناحیه خالی توسط دولت یا ولی امر ظاهراً به معنای اقدام دولت به وضع قوانین اقتصادی (تشریح اقتصادی) است. این برداشت با عبارت منطقه‌الفراغ فی التشریح الاقتصادي سازگار است. این منطقه حیطة‌ای است که در آن قانون‌گذاری اقتصادی صورت نگرفته و اقدام درباره آن به دولت یا ولی امر واگذار شده است. این تفسیر با این اشکال مواجه است که شهید صدر مکتب اقتصادی را از قوانین اقتصادی تفکیک می‌کند و چون منطقه‌الفراغ در ارتباط با مکتب اقتصادی تعریف شده است، فروکاستن احکام این ناحیه به احکام تشریحی با رویکرد شهید صدر سازگار نیست. بنا بر احتمال دیگر، مراد ایشان از تشریح اقتصادی، تدوین اصول ناظر بر

۱. منطقه‌الفراغ فی التشریح الاقتصادي.

قانون‌گذاری اقتصادی و ایجاد ساختارهای جدید است؛ مثلاً تدوین اصول حاکم بر نظام بانکی یا ساختار بانکی می‌تواند بخشی از تشریح اقتصادی در منطقه‌الفراغ باشد.

از نگاه شهید صدر تحقق عدالت به عنوان هدف اقتصاد اسلامی، در گرو داشتن هر دو بُعد ثابت و متغیر مکتب اقتصادی اسلام است. در نظر ایشان قانون‌گذاری‌هایی که پیامبر اعظم ۶ به عنوان ولی امر، در منطقه‌الفراغ مکتب انجام دادند، احکامی دائمی نیستند؛ چون این احکام از پیامبر نه به مثابه مبلغ احکام عمومی ثابت اسلام بلکه به اعتبار حاکم و ولی مسلمانان صادر شده است. مشاهده اقدامات پیامبر ۶ در این زمینه می‌تواند به ما در چگونگی پرکردن منطقه‌الفراغ کمک کند. با بررسی سیره پیامبر ۶ در این زمینه می‌توان متوجه شد که ایشان در سیاست‌های اقتصادی خود چه اهداف بنیادینی را دنبال می‌کرده است (همان، ص ۴۰۱).

قانون‌گذاری در بخش متغیر مکتب اقتصادی تا حدود زیادی به مفهوم تدوین مقررات، سیاست‌ها و برنامه‌های اقتصادی - مانند برنامه‌های پنج‌ساله توسعه و تدوین بودجه سالانه - نزدیک است؛ زیرا این قوانین دائمی نیستند و با توجه به اقتضات حکومتی وضع می‌شوند. در این صورت تدوین سیاست‌ها و برنامه‌های اقتصادی، بخش متغیر مکتب اقتصادی را شکل می‌دهند؛ بخشی که حاکی از اقدامات لازم برای دستیابی به اهداف نظام اقتصادی اسلام است. سیاست اقتصادی از این جهت که با توجه به اوضاع و احوال جامعه وضع می‌شود، حالتی مقطعی دارد و از ساختارسازی مرتبط با بخش ثابت مکتب اقتصادی متمایز می‌شود.

ب) از پارادوکس تقدم مکتب بر علم اقتصاد اسلامی

طرح وابستگی علم اقتصاد اسلامی به تحقق مکتب اقتصادی توسط شهید صدر باعث بروز ابهاماتی می‌شود. اگر مراد شهید صدر این باشد که تدوین علم اقتصاد اسلامی مشروط به اجرای کامل دستورهای اقتصادی

اسلام در جامعه و تحقق انسان اقتصادی مطلوب است، این پرسش مطرح می‌شود که در صورت تحقق شرط مزبور، دیگر چه نیازی به علم اقتصاد اسلامی خواهیم داشت، جز اینکه این دانش به تبیین وضعیت موجود بپردازد. وانگهی محقق کردن دستورهای اقتصادی اسلام در جامعه، خود نیازمند بهره‌مندی از یافته‌های علمی به‌خصوص نظریه‌های مرتبط با چگونگی ایجاد تغییر در رفتار اقتصادی و بهبود عملکرد اقتصادی است. در این صورت تقدم مکتب اقتصادی اسلام بر علم، مفهومی پارادوکس‌گونه خواهد داشت.

با تأمل بیشتر در دیدگاه شهید صدر می‌توان دریافت که ایشان تحقق علم اقتصاد اسلامی را مشروط به اجرای کامل اسلام در جامعه نمی‌داند. ایشان شکل‌گیری علم اقتصاد اسلامی را منوط به تحقق اصول مکتب اقتصادی اسلام، مشتمل بر چارچوب‌های نهادی اثرگذار بر رفتار اقتصادی می‌داند (همان، ص ۳۸۲). آنچه باید پیش از تحقق علم اقتصاد اسلامی اجرایی شود، چارچوب‌ها و ساختارهای مطلوب اسلام، همچون مالکیت مختلط و آزادی در کادر محدود است. این قالب‌بندی‌ها بخشی از ساختار نهادی پیشنهادی اسلام برای حل مشکلات اقتصادی است. اگر این ساختارها در جامعه عملیاتی شوند، بر رفتارها اثر می‌گذارند و در نتیجه می‌توان در همان چارچوب به تحلیل علمی پرداخت. این تحلیل علمی می‌تواند به تدوین سیاست‌هایی برای بهبود ساختار و رفتارهای اقتصادی کمک کند. مثلاً چارچوب پیشنهادی اسلام برای حل مشکلات پولی، نظام مالی بدون رباست. اگر این نظام برقرار شود، رفتارها در قالب آن شکل می‌گیرد و با تحلیل این رفتارها می‌توان مدل‌های اجرایی بانک‌داری بدون ربا را بهبود بخشید، علاوه بر اینکه مجالی برای تغییر رفتارهای عاملان اقتصادی نیز فراهم می‌شود.

شهید صدر حتی تحقق عینی خطوط مکتب اقتصاد اسلامی - یا

ساختارهای نهادی اقتصاد اسلامی - در جامعه را پیش شرط علم اقتصاد اسلامی نمی‌داند. به باور شهید می‌توان وجود این ساختارها را پیش فرض گرفت و بر اساس آن، تحلیل علمی در اقتصاد اسلامی را به روش فرضی - قیاسی ارائه کرد؛ مثلاً فرض می‌کنیم نظام بانکی در جامعه اسلامی بر اساس مضاربه و نه ربا عمل می‌کند.

در ادامه به تحلیل تأثیر این نظام بانکی بر اقتصاد جامعه می‌پردازیم و این ادعای علمی را مطرح می‌کنیم که در چنین ساختاری، میان منافع بانک و گیرندگان تسهیلات هماهنگی وجود دارد (همان، ص ۳۳۳).

بازخوانی کارکرد علم اقتصاد اسلامی

منحصرکردن کارکرد علم اقتصاد اسلامی در تبیین آثار و نتایج اجرای مکتب اقتصادی اسلام و تعیین رابطه بین متغیرهای اقتصادی، نگاهی حداقلی است. اگر رابطه تعاملی میان مکتب و علم اقتصاد اسلامی را در نظر بگیریم، یافته‌های علم اقتصاد اسلامی به تکامل مکتب اقتصادی اسلام کمک می‌کند؛ همان‌گونه که مکتب اقتصاد اسلامی نیز با ترسیم چارچوب نهادی مطلوب، مطالعات علم اقتصاد اسلامی را جهت می‌دهد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مکتب اقتصاد اسلامی

علم اقتصاد اسلامی

کارکرد اثبات ادعاهای سیستمی، تکمیل بخش متغیر مکتب اقتصادی با ارائه نظریه‌های توصیفی، تبیینی و پیش‌بینی‌کننده نظریه چگونگی تغییر ترجیحات؛ کارکرد پول در نظام مالی متعارف و اسلامی؛ کارکرد تربیتی مالیات‌های اسلامی

مکتب اقتصادی اسلام

کارکرد ارزش‌دآوری و تجویزی قواعد ثابت: پذیرش مالکیت مختلط قواعد متغیر: گرفتن مالیات از کنتز زمین

شکل ۱: کارکرد علم اقتصاد اسلامی در تعامل با مکتب اقتصادی اسلام

برای علم اقتصاد اسلامی می‌توان کارکرد مهمی در زمینه تکمیل بخش متغیر مکتب اقتصادی اسلام در نظر گرفت؛ کارکردی که با ارائه نظریه‌های توصیفی (ارائه شاخص و موضوع‌شناسی)، نظریه‌های تبیینی (تبیین رفتاری و نهادی) و نظریه‌های پیش‌بینی‌کننده (پیش‌بینی چگونگی اثرپذیری رفتار از سیاست‌گذاری اقتصادی) به دست آید. در این راستا یافته‌های علم اقتصاد اسلامی می‌تواند به شکل‌گیری بخش متغیر مکتب اقتصادی اسلام و پرکردن منطقه‌الفراغ اقتصاد اسلامی با قواعد و سیاست‌های اقتصادی کمک کند. اگر نظام اقتصادی اسلام و یا نظام‌سازی اقتصادی اسلامی را متمایز از مکتب اقتصادی اسلام قلمداد کنیم، نظریه‌های علم اقتصاد اسلامی زمینه طراحی ساختارها و سیاست‌های اقتصادی بر اساس اصول ثابت و متغیر مکتب اقتصادی اسلام را فراهم می‌کند.

جدول ۵: وظایف علم اقتصاد اسلامی

وظیفه	زیرمحمور	مثال
توصیف	موضوع‌شناسی	خلق پول در سیستم ذخیره جزئی ایجاد نقدینگی از هیچ است.
	شاخص	شاخص تولید طیب ابزاری برای حسابداری ملی اسلامی است.
تبیین	رفتارشناسی	انسان مسلمان کمتر درگیر احتکار می‌شود، انسان مسلمان در ماه رمضان کمتر جرم می‌کند.
	تبیین نهادی	حذف ربا باعث تقویت فعالیت‌های مولد می‌شود؛ افزایش نرخ سود سپرده باعث کاهش تولید می‌شود؛ ماه مبارک رمضان باعث کاهش جرائم اقتصادی می‌شود.
پیش‌بینی	پیش‌بینی	وضع مالیات بر کنز زمین باعث کاهش قیمت آن می‌شود؛ خمس و زکات برای فقرزدایی کافی است؛ الگوی تفکیک می‌تواند باعث حذف ربا از نظام بانکی شود.

منبع: یافته‌های پژوهش

وظایف سه‌گانه

برای علم اقتصاد اسلامی می‌توان سه وظیفه توصیف، تبیین و پیش‌بینی را در نظر گرفت؛ وظایفی که زمینه‌ساز کارکردهایی خواهد شد که در ادامه مطرح خواهیم کرد.

الف) توصیف موضوعی و شاخصی

یکی از کارکردهای علم اقتصاد اسلامی، توصیف وضعیت موجود یا آرمانی اقتصاد جامعه اسلامی است. توصیف را باید از تبیین متمایز دانست. توصیف به شرح وضعیت اقتصادی می‌پردازد، ولی تبیین بیانگر علل پدیده‌های اقتصادی است. توصیف مزبور مشتمل بر موضوع‌شناسی عینی و شاخص‌سازی می‌شود. موضوع خلق پول بانکی را در نظر بگیرید. محقق بانکداری اسلامی می‌تواند با موضوع‌شناسی ماهیت خلق پول در نظام بانکی ذخیره جزئی یا در نظام بدیل بانکداری اسلامی، منجر به این قضاوت شود که این اقدام مصداق اکل مال به باطل و غیرمجاز است. این موضوع‌شناسی می‌تواند منجر به ارائه پیشنهادهایی همچون محدودسازی بانک‌های تجاری و افزایش نرخ ذخیره قانونی برای کاهش خلق پول شود. تدوین شاخص‌های مورد نیاز برای توصیف وضعیت موجود و مطلوب نیز در همین چارچوب قرار می‌گیرد؛ برای نمونه شاخص تولید طیب، ابزاری برای سنجش تولید ملی در چارچوب حسابداری ملی اسلامی ارائه می‌دهد (توکلی و شفیعی‌نژاد، ۱۳۹۸).

ب) تبیین رفتاری و نهادی

یکی دیگر از کارکردهای علم اقتصاد اسلامی تبیین رفتارها و کارکردهای اقتصادی در چارچوب ساختار نهادی پذیرفته شده و سیاست‌های اقتصادی قابل اجراست. علم اقتصاد اسلامی از یک سو مؤلف به تبیین قانون‌مندی‌های رفتار عاملان اقتصادی و از سوی دیگر عهده‌دار تبیین کارکرد نظام اقتصادی اسلام است.

تبیین رفتاری مستلزم کشف قانون‌مندی‌های حاکم بر رفتار عاملان اقتصادی در اقتصاد جامعه اسلامی است. علم اقتصاد اسلامی چگونگی رفتار افراد در ساختار اقتصادی قالب‌بندی‌شده بر اساس خطوط کلی نظام اقتصادی اسلام را تحلیل و تبیین می‌کند. این تبیین رفتاری ممکن است بیانگر ضعف‌های رفتاری نیز باشد که زمینه را برای اصلاح ساختار اقتصادی یا سیاست‌گذاری مناسب فراهم می‌کند. کشف این قانون‌مندی‌ها به پیش‌بینی رفتار اقتصادی نیز یاری می‌رساند.

تبیین کارکردی در علم اقتصاد اسلامی به مفهوم تبیین کارکرد نظام اقتصادی اسلام با توجه به ساختارهای مطلوب و قواعد رفتاری قابل تحقق است؛ مثلاً در علم اقتصاد اسلامی بحث می‌شود که خروجی یک نظام بانکی بدون ربا با توجه به رفتار فعالان بانکی چه خواهد بود و نیز بیان می‌شود که در این نظام در قیاس با یک نظام بانکی ربوی، کارایی و عدالت به نحو بهتری تأمین می‌شود.

بر اساس برداشت آیت‌الله سیدکاظم حائری، شاگرد شهید صدر، مکتب اقتصادی مفهومی معادل نظام اقتصادی دارد و مباحث علم اقتصاد به عملیاتی کردن نظام اقتصادی مطلوب وابسته است: «علم اقتصاد اسلامی پس از نظام اقتصاد اسلامی جریان پیدا می‌کند [...] پس از پیاده کردن نظام اقتصادی اسلام می‌توانیم رابطه‌هایی را میان پدیده‌های اقتصادی کشف کنیم که چه بسا پیش از پیاده کردن نظام اقتصادی وجود نداشت» (یوسفی، ۱۳۷۹، ص ۶۳). البته ممکن است برخی روابط علّی و معلولی بر نظام اقتصادی اسلام متقدم باشند.

چه بسا اسلام آن نظام اقتصادی خاص را پیاده می‌کند تا فلان روابط علّی و معلولی خاص به جریان درآید و نتایج علمی خاصی که خارج از اختیار ماست، به وجود آید؛ مثلاً اسلام نظام اقتصادی خود را به گونه‌ای وضع کرده است تا قانون عرضه و تقاضا چنین و چنان شود، یا قانون بازده نزولی آن

چنان شود. لزومی ندارد همه روابط علی و معلولی در ابتدا وجود داشته باشند؛ چنان که لزومی ندارد همه آنها پس از نظام اقتصادی اسلامی به وجود آیند؛ یعنی ممکن است احکام شرعی، ناظر به روابط علی و معلولی متأخر باشند و شارع بگوید من می‌خواهم اقتصاد را آن گونه به جریان درآورم که فلان نتایج به وجود بیاید. در نتیجه ما دلیلی نداریم که قوانین تکوینی بلااختیاری قبل از احکام اقتصاد اسلامی وجود داشته باشد (همان، ص ۶۳-۶۴).

ج) پیش‌بینی

علم اقتصاد اسلامی می‌باید اقدام به ارائه پیش‌بینی از وضعیت متغیرهای اقتصادی و تأثیر سیاست‌های اقتصادی بپردازد؛ برای نمونه زمانی که می‌خواهیم برای مقابله با سفته‌بازی، مالیات بر کثرت زمین وضع کنیم، تحلیل‌های علم اقتصاد اسلامی به ما کمک می‌کند که واکنش‌های فعالان اقتصادی در جامعه اسلامی را پیش‌بینی کنیم؛ پیش‌بینی که می‌تواند به بهبود سیاست‌گذاری اقتصادی کمک کند.

کارکردهای دوگانه

نظریه‌های توصیفی، تبیینی و پیش‌بینی‌کننده در علم اقتصاد اسلامی می‌توانند دو کارکرد اثبات ادعاهای سیستمی اقتصاد اسلامی و کمک به تکمیل بخش متغیر مکتب اقتصادی اسلام و نظام‌سازی اقتصاد اسلامی را داشته باشند.

الف) اثبات ادعاهای سیستمی اقتصاد اسلامی

یکی از کارکردهای علم اقتصاد متعارف در قالب اقتصاد خرد و کلان، اثبات ادعاهای سیستمی نظام اقتصاد بازار آزاد است. خروجی تحلیل‌های رفتاری و نهادی اقتصاد خرد این ادعاست که بهترین وضعیت از جهت میزان تولید و سطح قیمت بر اثر بازار رقابت کامل محقق می‌شود و اضافه‌رفاه کل بیشینه خواهد شد؛ ادعایی که در ادامه مباحث اقتصاد خرد در قالب

اقتصاد رفاه بررسی می‌شود (هاسمن و مک‌فرسون، ۱۳۹۸، ص ۷۴-۷۹ / توکلی، ۱۳۹۷، ص ۲۸). مطالعات خرد و کلان زمینه اصلاح و بازنگری برخی ادعاهای سیستمی اقتصاد بازار آزاد را نیز فراهم می‌کند؛ اصلاحاتی که در قالب تحلیل‌های صورت گرفته از شکست بازار، منجر به ظهور مکاتب اقتصاد مختلط شده که در آنها نقش دولت به عنوان تصحیح‌کننده و تکمیل‌کننده نقش بازار به رسمیت شناخته شده است (توکلی، ۱۴۰۲، ص ۲۲۳).

علم اقتصاد اسلامی به عنوان دانش توصیف‌گر-تبیین‌کننده-پیش‌بینی‌کننده را می‌توان ابزاری برای اثبات ادعاهای سیستمی در مکتب اقتصادی اسلام در نظر گرفت؛ بدین معنا که مکتب اقتصادی اسلام عنوان می‌کند که نظام اقتصادی مبتنی بر آزادی در کادر محدود، مالکیت مختلط و تأمین اجتماعی بهترین روش برای تحقق عدالت اقتصادی است؛ برای اثبات این ادعا به علم اقتصاد اسلامی نیاز داریم؛ این علم باید شاخص توصیفی برای سنجش وضعیت و به عبارتی شواهد نظری (انسجام نظری) و عملی (شواهد تاریخی) ارائه دهد.

این کارکرد زمانی مطرح است که نظریه‌پرداز اقتصاد اسلامی برای اثبات حقانیت دیدگاه‌های مکتبی اقتصاد اسلامی به بررسی علمی می‌پردازد؛ برای نمونه نظریه‌پرداز به بررسی این امر می‌پردازد که چگونه حذف ربا از نظام بانکی باعث افزایش تجهیز و تخصیص منابع بانکی می‌شود. وی ممکن است بررسی کند که چگونه بانک‌های اسلامی در مقابله با بحران‌های مالی تاب‌آورتر می‌باشند.

ب) کمک به تکمیل بخش متغیر مکتب اقتصادی اسلام

توجه به دو بخش ثابت و متغیر مکتب اقتصاد اسلامی برای علم اقتصاد اسلامی زمینه انجام مطالعاتی برای کمک به شکل‌دهی بخش متغیر آن را فراهم می‌کند. بخش متغیر مکتب اقتصادی اسلام یا حوزه منطقه‌الفرغ نیازمند ایجاد ساختار، قانون‌گذاری و طراحی سیاست اقتصادی بر اساس

ضوابط و اصول استخراجی در مورد بخش ثابت است. در چارچوب روش کشفی می‌توان از بررسی قوانین ثابت شرعی اصول اساسی ساماندهی اقتصاد جامعه اسلامی را استخراج کرد و بر مبنای آن اقدام به وضع قوانین متغیر و همچنین ایجاد سازمان‌ها و ابزارهای جدید کرد.

در مسیر طراحی ساختار، قانون، ابزار و سیاست اقتصادی نیازمند یافته‌های علم اقتصاد اسلامی می‌باشیم. این کارکرد علم اقتصاد اسلامی در زمینه منطقه‌الفراغ مکتب اقتصادی اسلام را می‌توان کارکرد تأییدی نامید. پژوهشگر اقتصاد اسلامی با توجه به اهداف نظام اقتصادی اسلام و خطوط کلی مکتب اقتصادی اسلام، اقدام به طراحی ساختاری یا سیاستی می‌کند و سپس نیازمند تحلیل علمی آثار آن است.

نمونه الگوی بانکداری اسلامی را در نظر بگیرید. محقق اقتصاد اسلامی برای طراحی الگوی بانکداری اسلامی نیازمند آن است که بداند ساختار، قوانین و ابزارهای بانکی و همچنین سیاست‌های پولی را چگونه طراحی کند تا اهداف و اصول اقتصاد اسلامی و بانکداری اسلامی محقق شود. در این زمینه وی نیازمند آن است که بداند چه ساختار بانکی با چه قواعدی باعث حذف ربا و ایجاد یک نظام مالی عادلانه خواهد شد. یکی از طراحی‌های صورت گرفته در این زمینه الگوی تفکیک است. در این الگو متمایز از الگوی بانکداری جامع، سه نهاد بانک قرض‌الحسنه، مؤسسه لیزینگ و شرکت‌های سرمایه‌گذاری عهده‌دار ساماندهی نظام مالی در جامعه اسلامی می‌شوند. بانک قرض‌الحسنه عهده‌دار ارائه خدمات بانکی می‌شود؛ مؤسسه‌های لیزینگ تسهیلات مبادله‌ای اعطا می‌کنند؛ شرکت‌های سرمایه‌گذاری نیز وجوه را برای به‌کارگیری در عرصه‌های مختلف جذب و سرمایه‌گذاری می‌کنند (داودی و صمصامی، ۱۳۸۸).

الگوی تفکیک نوعی طراحی در حوزه منطقه‌الفراغ نظام مالی اسلامی است که نیازمند مساعدت دانش اقتصاد اسلامی است. نظریه‌پرداز فعال در

حوزه تولید علم اقتصاد اسلامی باید چگونگی کارکرد این الگو و نقش آن در حذف ربا و تحقق عدالت در نظام بانکی را بررسی کند. رفتارشناسی فعالان نظام مالی در چارچوب این الگو نیز موضوع مهمی است. اینکه چگونه می‌توان فعالان بازار مالی را با اجرای الگو همراه کرد و مانع از مشکلاتی همچون هجوم بانکی شد، از جمله موضوعات مطالعه علمی است. اینکه چگونه سیاست‌گذاران و ذی‌نفعان را با الگو همراه ساخت نیز هم بعد مطالعه رفتاری و هم بعد طراحی الگو دارد.

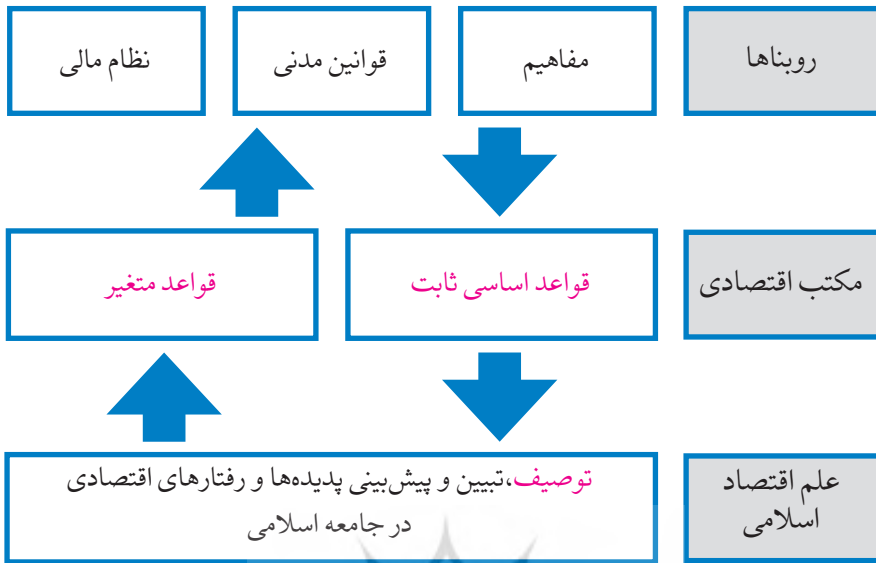
نمونه دیگر در مشارکت علم اقتصاد اسلامی در پرکردن منطقه‌الفراغ مکتب اقتصادی اسلام، سیاست‌گذاری برای مقابله با سفته‌بازی در اقتصاد جامعه اسلامی است و نظریه‌پرداز علم اقتصاد اسلامی ممکن است با این سؤال نیز مواجه شود که چگونه می‌توان از ورود تسهیلات بانکی به فعالیت‌های سفته‌بازانه جلوگیری کرد؟ آیا وضع مالیاتی همچون مالیات بر عایدی سرمایه در جامعه اسلامی نیز می‌تواند کمک‌کار نظام بانکداری اسلامی باشد؟ این نوع تحلیل‌های علمی به محقق علم اقتصاد اسلامی کمک می‌کند که در مورد وضع مالیات حکومتی بر فعالیت‌های سفته‌بازانه و طراحی مقررات آن تصمیم‌گیری کند.

الگوی تعامل کارکردی علم و مکتب اقتصاد اسلامی

تعامل کارکردی علم و مکتب اقتصادی اسلامی تعاملی دوطرفه است؛ یافته‌های علم اقتصاد از دو جهت به مکتب اقتصادی اسلام کمک می‌کند. اول، این یافته‌ها شواهدی برای صحت اصول مکتب اقتصادی اسلام ارائه می‌دهند؛ دوم، یافته‌های علم اقتصاد به تکمیل منطقه خالی قاعده‌گذاری اقتصادی کمک می‌کند. درمقابل یافته‌های مکتب اقتصاد چارچوب تحلیل علم اقتصاد اسلامی را ایجاد می‌کند. بر این اساس ساختارهای مبتنی

بر مکتب اقتصادی اسلام بر رفتارهای اقتصادی و کارکردهای اقتصادی تأثیرگذارند.

رابطه تعاملی دوطرفه مکتب و علم اقتصاد اسلامی را می‌توان در چارچوب نظریه روبنا- زیربنای شهید صدر معرفی کرد. در نظریه شهید صدر مفاهیم، قوانین مدنی و نظام مالی اسلام به عنوان روبنا زمینه استخراج مکتب اقتصادی اسلامی را فراهم می‌آورند؛ ولی آنچه به این روش استخراج می‌شود، اصولی در مورد بخش ثابت مکتب اقتصادی اسلام است؛ اصولی که می‌توان مبنای طراحی در بخش متغیر مکتب اقتصادی اسلام شود. با در نظر گرفتن چگونگی شکل‌گیری بخش متغیر مکتب اقتصادی اسلام، جایگاه علم اقتصاد اسلامی در نظریه روبنا- زیربنای شهید صدر اضافه می‌شود. در این صورت یافته‌های علم اقتصاد اسلامی در خدمت گسترش بخش متغیر مکتب اقتصادی اسلام و پرکردن منطقه‌الفراغ با قواعد متغیر قرار می‌گیرد. این قواعد متغیر به همراه قواعد اساسی ثابت زمینه تکمیل قانون مدنی و همچنین تکمیل نظام مالی در بخش روبناها فراهم می‌کند. می‌توان گفت طراحی‌های نهادی شامل ایجاد یا بهبود سازمان‌ها و قوانین اقتصادی و طراحی راهبردها، سیاست‌ها و برنامه‌های اقتصادی نیز در این فضا با کمک قواعد ثابت و متغیر مکتب اقتصادی و همچنین یافته‌های علم اقتصاد اسلامی صورت می‌گیرد. طراح قوانین و نظام مالی اسلامی با توجه به قواعد مکتب اقتصادی و یافته‌های علم اقتصاد اسلامی دست به طراحی می‌زند. می‌توان عنوان داشت که علوم روبنایی همچون فقه اقتصادی عهده‌دار تکمیل قوانین اقتصادی باشد. علم اقتصاد اسلامی به بررسی اثر طراحی‌های مختلف بر رفتار فعالان اقتصادی و کارکرد نظام اقتصادی می‌پردازد. این یافته‌های علم اقتصاد اسلامی به نظریه‌پرداز کمک می‌کند که طراحی خود را بهبود دهد و اثر آن بر تحقق اهداف اقتصاد اسلامی از جمله عدالت را افزایش دهد.



شکل ۲: کارکرد علم اقتصاد اسلامی در تعامل با مکتب اقتصادی اسلام

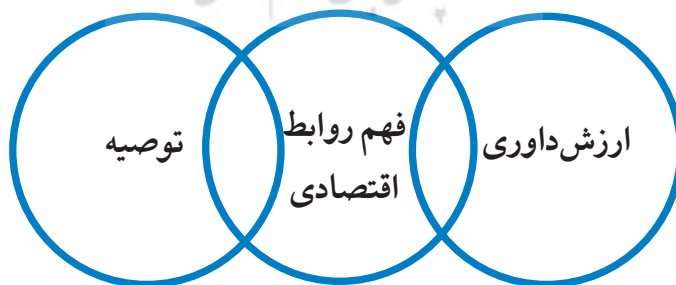
منبع: یافته‌های پژوهش

اگر مکتب اقتصاد اسلامی را متمایز از نظام اقتصادی اسلامی قلمداد کنیم و وظیفه پیشنهاد نهادها و سیاست‌ها را به دومی بدهیم، علم اقتصاد اسلامی واسط میان مکتب و نظام اقتصادی یا نظام‌سازی اقتصادی خواهد بود؛ بدین صورت که مکتب اقتصادی اصول ثابت و متغیر در نظام‌سازی اقتصادی را ارائه می‌دهد؛ علم اقتصاد اسلامی نیز به تدوین توصیه‌های ساختاری و سیاستی در دانش نظام اقتصادی اسلام بر مبنای اصول مکتب اقتصادی اسلام کمک می‌کند. در این صورت امتداد مکتب اقتصادی اسلام را باید در نظام اقتصادی یا نظام‌سازی اقتصادی اسلامی دانست؛ یعنی مکتب اقتصادی اصول و قواعد ثابت و متغیری ارائه می‌دهد که بر اساس آن ساختارها، نهادها و سیاست‌های اقتصادی طراحی می‌شوند. در این حالت نیز علم اقتصاد اسلامی حلقه واسطی بین مکتب اقتصادی و نظام‌سازی اقتصادی خواهد بود.

جدول ۶: کارکردهای متعارف علم و مکتب اقتصاد اسلامی

حوزه دانشی	وظیفه	مثال
مکتب اقتصاد اسلامی	ارزش داوری	خلق پول اکل مال به باطل و حرام است (ارزش داوری)؛ خلق پول ناعادلانه است (ارزش داوری)
	تجویز	بانک‌های تجاری را باید محدود کرد (توصیه ساختاری)؛ ذخیره قانونی را باید افزایش داد (توصیه سیاستی)
علم اقتصاد اسلامی	توصیف، تبیین، پیش‌بینی	خلق پول به معنای ایجاد پول از هیچ است؛ خلق پول با ساختار بانکی ارتباط دارد؛ الگوی تفکیک خلق پول را کنترل می‌کند.

به نظر می‌رسد کارکرد ارزش داوری مکتب اقتصاد اسلامی بر کارکرد توصیه‌گری از نظر رتبی مقدم است؛ یعنی پیش از توصیه و تجویز باید در مورد اهداف و ابزارها قضاوت ارزشی کرد. البته توصیه و تجویز مبتنی بر تبیین نیز می‌باشد. برای ارائه تدابیر اقتصادی نیازمند قضاوت ارزشی (ناعادلانه بودن خلق پول) و موضوع‌شناسی اثباتی (تورمزایی خلق پول) می‌باشیم. پیش از این باید تصویری از مبانی ارزشی (تعریف و شاخص‌بندی عدالت اقتصادی) نیز داشت؛ یعنی در مبانی ارزشی، اهداف و ارزش‌ها را مشخص می‌کنیم؛ در علم اقتصاد به تبیین و پیش‌بینی رفتارهای اقتصادی، روابط میان متغیرها و کارکردهای اقتصادی می‌پردازیم؛ در مکتب اقتصادی توصیه‌هایی برای تحقق اهداف اقتصادی ارائه می‌کنیم. مشخص است که تجویز درست به فهم ما از واقعیات اقتصادی نیز وابسته است.



شکل ۳: ارتباط ارزش داوری و توصیه سیاستی با فهم روابط اقتصادی

اگر وابستگی تبیین اقتصادی به تدابیر اقتصادی را در نظر بگیریم، نمی‌توانیم بدون در نظر گرفتن ساختارهای ایجاد شده و سیاست‌های اجرا شده به تحلیل رفتارها و کارکردهای اقتصادی پردازیم. با توجه به تأثیر ساختارها و سیاست‌ها بر رفتارهای اقتصادی، تحلیل اثباتی ارائه‌شده از رفتارهای اقتصادی، به ساختاری که رفتار در آن انجام می‌شود، وابسته است؛ برای نمونه رفتار افراد در ساختار بازار رقابتی با رفتار آنها در ساختار اقتصاد دولتی متفاوت است. در مباحث اقتصاد اثباتی معمولاً ساختارها را پیش فرض می‌گیرند و به تحلیل اثر سیاست‌ها بر رفتار می‌پردازند؛ مثلاً در اقتصاد خرد هنگام تحلیل رفتار بنگاه، ساختار رقابت کامل همراه با اطلاعات کامل مفروض گرفته می‌شود. در ادامه تحلیل می‌شود که در چنین ساختاری، بنگاه‌ها چه مقدار تولید می‌کنند و با چه قیمتی می‌فروشند. در مباحث تکمیلی اقتصاد خرد، اثر سیاست‌های اقتصادی همچون وضع مالیات بر رفتار عرضه‌کنندگان و همچنین اثرات رفاهی آن بررسی می‌شود. مشخص است که این نتایج در ساختار انحصار کامل، صادق نیست و تحلیل آثار سیاست‌های اقتصادی نیز متفاوت خواهد بود. حال اگر فرض کنیم اساس ساختاری سوسیالیستی بر اقتصاد حاکم است و افراد بر اساس برنامه مشخص شده از سوی شورای برنامه‌ریزی متمرکز به تولید می‌پردازند، تحلیل رفتار به کلی متمایز خواهد بود. مباحث سیاستی نیز شکل دیگری به خود خواهند گرفت.

در اقتصاد کلان نیز ساختارها به صورت پیش فرض در نظر گرفته می‌شوند؛ مثلاً وقتی نظریه فیلیپس (۱۹۵۸) درباره رابطه معکوس تورم و بیکاری مطرح شد، بیانگر نتایج مشاهدات صورت گرفته از رفتار این دو متغیر کلان اقتصادی در ساختار اقتصاد بریتانیا در دوره ۱۹۱۳-۱۹۴۸ بود. با تغییر وضعیت اقتصادی کشورها در دهه ۱۹۷۰، اقتصاددانان شاهد رابطه

مثبت تورم و بیکاری و وقوع تورم رکودی بودند. از این رو اقتصاددانانی همچون میلتون فریدمن عنوان کردند که رابطه منحنی فیلیپس فقط در کوتاه مدت صادق است. اکنون منحنی فیلیپس بلندمدت به عنوان یک خط عمودی در نرخ طبیعی بیکاری تصور می‌شود که در آن، نرخ تورم تأثیری بر بیکاری ندارد.

یکی از دستاوردهای علم اقتصاد اسلامی فهم چگونگی کارکرد ساختارها و نهادهای اقتصادی برای کمک به بهبود عملکرد آنها می‌باشد. این دانش کمک می‌کند که بدانیم ساختار نظام بانکی یعنی چارچوب ساماندهی تجهیز و تخصیص منابع مالی مشتمل بر سازمان‌ها، قواعد حاکم و عملکردش چگونه است؛ این تحلیل زمینه‌ساز تصمیم برای حفظ یا اصلاح آن خواهد بود.

نتیجه‌گیری

در اندیشه شهید صدر برای علم اقتصاد اسلامی عمدتاً کارکردی تبیینی در نظر گرفته شده است. نظریه‌های علم اقتصاد اسلامی به بررسی رابطه بین متغیرهای اقتصادی در جامعه‌ای می‌پردازند که اصول مکتب اقتصادی اسلام در آن اجرا شده است. خروجی این بررسی می‌تواند کشف قانون‌مندی‌های حاکم بر رفتارها در اقتصاد جامعه اسلامی باشد یا کارکرد نظام اقتصادی اسلامی را بیان کند.

کارکرد تبیینی علم اقتصاد اسلامی کارکردی صرفاً پسینی نیست. علم اقتصاد اسلامی چگونگی رفتار افراد در ساختار اقتصادی قالب‌بندی شده بر اساس خطوط کلی نظام اقتصادی اسلام را تحلیل و تبیین می‌کند. این تحلیل رفتاری ممکن است بیانگر ضعف‌های رفتاری نیز باشد که زمینه را برای اصلاح ساختار اقتصادی یا سیاست‌گذاری مناسب فراهم می‌کند. کشف این قانون‌مندی‌ها به توصیف، تبیین و پیش‌بینی رفتار اقتصادی کمک می‌کند.

علم اقتصاد اسلامی می‌تواند با ارائه نظریه‌های توصیفی، تبیینی و پیش‌بینی‌کننده دو کارکرد اثبات ادعاهای سیستمی اقتصاد اسلامی و کمک به تکمیل بخش متغیر مکتب اقتصادی اسلام داشته باشد. کارکرد نخست عمدتاً در خدمت اثبات کارآمدی نظام اقتصادی اسلام در تحقق عدالت اقتصادی است؛ مثلاً در علم اقتصاد اسلامی بحث می‌شود که خروجی یک نظام بانکی بدون ربا با توجه به رفتار فعالان بانکی چه خواهد بود و نیز بیان می‌شود در این نظام در قیاس با یک نظام بانکی ربوی، عدالت به نحو بهتری تأمین می‌شود.

دومین کارکرد علم اقتصاد اسلامی در چارچوب اندیشه‌های اقتصادی شهید صدر، کمک به تکمیل بخش متغیر مکتب اقتصادی اسلام یعنی پروردن منطقه‌الفرغ مکتب اقتصادی اسلام با ارائه قواعد متغیر است. پژوهشگر اقتصاد اسلامی برای اصلاح نظام بانکی نیازمند آن است که بدانند ساختار، قوانین، ابزارهای بانکی و همچنین سیاست‌های پولی را چگونه طراحی کند تا اهداف و اصول اقتصاد اسلامی محقق شود. در این زمینه وی نیازمند آن است که بدانند چه ساختار بانکی با چه قواعدی باعث حذف ربا و ایجاد یک نظام مالی عادلانه خواهد شد. در این راستا ممکن است محقق بانکداری اسلامی دست به طراحی الگوی تفکیک بزند که بر اساس آن سه نهاد بانک قرض‌الحسنه، مؤسسه لیزینگ و شرکت‌های سرمایه‌گذاری ایجاد می‌شوند. علم اقتصاد اسلامی باید چگونگی کارکرد این الگو و نقش آن در حذف ربا و تحقق عدالت در نظام بانکی را بررسی کند. رفتارشناسی فعالان نظام مالی در این الگو و چگونگی همراهم‌سازی آنها با اجرای الگو و ممانعت از هجوم بانکی نیز بعد دیگری است که در علم اقتصاد اسلامی باید بدان پرداخته شود. نظریه‌پرداز علم اقتصاد اسلامی ممکن است با این پرسش نیز مواجه شود که چگونه می‌توان از ورود تسهیلات بانکی به فعالیت‌های سفته‌بازانه جلوگیری کرد؟ آیا وضع مالیاتی همچون مالیات بر عایدی سرمایه

در جامعه اسلامی نیز می‌تواند کمک کار نظام بانکداری اسلامی باشد؟ این نوع تحلیل‌های علمی به محقق علم اقتصاد اسلامی کمک می‌کند که در مورد وضع مالیات حکومتی بر فعالیت‌های سفته‌بازانه و طراحی مقررات آن تصمیم‌گیری کند.

اگر نظام اقتصادی اسلام را متمایز از مکتب اقتصاد اسلامی بدانیم، علم اقتصاد اسلامی در کارکرد دومش حد واسطی میان مکتب و نظام یا نظام‌سازی اقتصادی خواهد بود. در این صورت نظریه‌های مرتبط با ساختارسازی، قاعده‌گذاری و سیاست‌گذاری اقتصادی در قالب مطالعات نظام اقتصادی اسلام صورت می‌گیرد و نظریه‌های مکتب اقتصاد اسلامی اصول و قواعد ثابت و متغیری را ارائه می‌دهند که بر اساس آن نظام‌سازی صورت می‌گیرد. بر این اساس، مکتب اقتصادی اسلام اصول ثابت و متغیری را ارائه می‌دهد که مبنای نظام‌سازی اقتصادی خواهد بود و زمینه را برای طراحی ساختارها و نهادهای اقتصادی و همچنین سیاست‌های اقتصاد اسلامی فراهم می‌کند.

منابع

- توکلی، م. (۱۳۹۶). بازخوانی رویکرد شهید صدر در مورد هویت علمی اقتصاد اسلامی. *روش‌شناسی علوم انسانی* (۹۰)، ۲۱۱-۲۳۶.
- توکلی، م. (۱۳۹۷). بررسی امکان‌پذیری تمایز اقتصاد اسلامی اثباتی و هنجاری. *اقتصاد اسلامی* (۷۲)، ۵-۳۳.
- توکلی، م. (۱۴۰۲). *درآمدی بر فلسفه اقتصاد اسلامی؛ بررسی هویت دانش اقتصاد اسلامی*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- توکلی، م.، و شفیع‌نژاد، ع. (۱۳۹۸). شاخص تولید طیب. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- حائری، س.، و یوسفی، ا. (۱۳۸۰). اقتصاد اسلامی و روش کشف آن از دیدگاه شهید صدر (ره). *اقتصاد اسلامی* (۱)، ۲۱-۴۲.
- داودی، پ.، و صمصامی، ح. (۱۳۸۸). *اقتصاد پول و بانکداری*. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- زرقا، م. (۱۴۱۰ ق). تحقیق اسلامی علم الاقتصاد، المفهوم والمنهج. *مجله جامعه ملک عبدالعزیز: الاقتصاد الاسلامی* (۲).

- صدر، س. (۱۴۲۱ق). المدرسة الاسلاميه. در: صدر، الاسلام يقود الحياه؛ المدرسة الاسلاميه، رسالتنا، قم: مركز الابحاث و الدراسات التخصصيه للشهيد الصدر (ره).
- صدر، م. (۱۴۰۰ق). اقتصادنا. بيروت: دار التعارف للمطبوعات.
- صدر، م. (۱۴۲۱ق). الاسلام يقود الحياه، المدرسة الاسلاميه، رسالتنا. قم: مركز الابحاث و الدراسات التخصصيه للشهيد الصدر.
- ميرمعزی، ح. (۱۳۸۵). نقد و بررسی دیدگاه شهید صدر (ره) درباره هویت اقتصاد اسلامی. *اقتصاد اسلامی* (۲۲)، ۱۲۳-۱۴۶.
- میرمعزی، س. (۱۳۹۱). *نظام اقتصادی اسلام: مبانی، اهداف، اصول راهبردی و اخلاق*. قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- نظری، ح. (۱۳۸۸). روش شناسی شهید صدر درباره شکل گیری علم اقتصاد اسلامی و تحقیق نهایی درباره آن. *روش شناسی علوم انسانی* (۶۱)، ۵۱-۶۱.
- هاسمن، د.، و مک فرسون، م. (۱۳۹۸). *تحلیل اقتصادی فلسفه اخلاق و سیاست عمومی*. ترجمه س. عربی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- یوسفی، ا. (۱۳۷۹). دیدگاه‌های شاگردان شهید صدر درباره نظر استاد. در: ا. یوسفی، ماهیت و ساختار اقتصاد اسلامی. قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی